

## روش استفاده از



عبدالرحیم موگهی (شمیم)

### اشاره

در شماره قبل، نه مورد از توصیه‌هایی که در روش صحیح استفاده از شعر در تحقیق و تبلیغ، کاربرد دارد را مطرح کردیم و اینک چند سفارش دیگر را در این خصوص یادآور می‌شویم.

### ۱۰. معانی مجازی و عرفانی

بعضی از کلمات به کار رفته در اشعار، مانند ساقی، خُم، می، باده، ساغر، شراب، مستی، میکده، خرابات، خط، خال، زلف و گیسو، گاه دارای معانی مجازی و عرفانی هستند. از

اینرو - تا آنجا که امکان دارد - چنین اشعار و اصطلاحاتی را به تناسب و در حد کافی، معنی کنیم و توضیح دهیم تا دیگران چیزی غیر از مراد و منظور شاعر را برداشت نکنند.

در این زمینه، به غزلی از حضرت امام خمینی ره بنگریم که این گونه واژه‌ها و تعبیرها را در آن به کار گرفته‌اند و معلوم است که معانی عرفانی، مورد نظر ایشان بوده است:

دل که آشفته روی تو نباشد دل نیست  
آن که دیوانه خال تو نشد عاقل نیست  
مستی عاشقِ دلباخته از باده توست

ابیاتی بدین گونه را بر زبان نیاوریم و  
بر کاغذ نشانیم:

بنده پُرجُرم و خطا، منم خدا  
بنده بی شرم و حیا، منم خدا  
من سگ دربان توام حسین جان  
در پی احسان توام حسین جان

#### ۱۲. مفهوم و مانوس بودن

از اشعاری بهره بگیریم که الفاظ  
به کار رفته در آن، مهجور و برای  
مخاطبان نامانوس و نامفهوم نباشند؛  
مگر آن که ضرورتی یا اضطراری در  
این کار باشد و البته معانی آن الفاظ را  
به گونه‌ای برای مخاطبان روشن کنیم  
و توضیح دهیم؛ در مثل، بسیاری از  
مردم و مخاطبان ما، معنای دو کلمه  
«آزفنداق» و «ترگ» در این بیت  
حکیم اسدی طوسی را نمی‌دانند:

کمان آفنداق شد، زاله تیر  
گل غنچه ترگ و زره آهگیر

همچنین معنای کلمه «انگشتال» در  
این بیت ابوالعباس که شاعری از قرن  
چهارم هجری است، برای بسیاری  
نامفهوم است:

به جز این مستیام از عمر، دگر حاصل نیست  
عشق روی تو در این بادیه افکند مرا  
چه توان کرد که این بادیه را ساحل نیست  
بگذر از خویش اگر عاشق دلباخته‌ای  
که میان تو و او، جز تو کسی حائل نیست  
رهرو عشقی اگر، خرقه و سجاده فکن  
که به جز عشق، تو را رهرو این منزل نیست  
اگر از اهل دلی، صوفی و زاهد بگذار  
که جز این طایفه را، راه در این محفل نیست  
در خَم طوره او چنگ ز نسیم چنگ زنان  
که جز این، حاصل دیوانه لایمقل نیست  
دست من گیر و از این خرقه سالوس رهان  
که در این خرقه، به جز جایگه جاهل نیست  
علم و عرفان به خرابات ندارد راهی  
که به منزلگه عشاق، ره باطل نیست

#### ۱۱. سبک و سخیف نبودن

مواظب باشیم اشعاری را در  
گفته‌ها و نوشته‌های خود به کار  
گیریم که دارای الفاظ سبک و معانی  
سخیف نباشند. نگارنده بر این باور  
است که در هنگام راز و نیاز با خدای  
سبحان و سخن گفتن با خاندان  
عصمت و طهارت <sup>علیهم السلام</sup> نیز باید ادب  
لفظی و معنایی را رعایت کنیم و

مخاطبان خود، توضیح دهیم و تشریح و تبیین کنیم؛ زیرا این گونه اشعار، از نظر مفهومی و معنایی، دارای سطحی بالاتر و والاتر هستند. توجه به این نکته در اشعار عرفسانی از اهمیت بیش تری برخوردار است:

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند  
و آندر آن ظلمت شب، آب حیاتم دادند  
بی خود از شمشه پرتو ذاتم کردند  
باده از جام تجلی صفاتم دادند

□

دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند  
گل آدم بسرشتند و به پیمانہ زدند  
ساکنان حرم ستر و عفاف ملکوت  
با من راه نشین، بادہ مستانه زدند

### ۱۲. عرضه به شعرشناس

در صورتی که شاعر و یا شعرشناس نیستیم، پیش از به کار گرفتن اشعار در سخنرانیها و کلاسها و نوشته هایمان، بکوشیم که آنها را نزد شاعر یا شعرشناسی خبره و فرادست بخوانیم تا مبادا از اشعاری استفاده کرده باشیم که مثلاً از نظر

ز خان و مان و قرابت، به فریت افتادم  
بماندم این جا بی برگ و ساز و انگشتال  
شایان توجه است که «آزفندق» به معنای «رنگین کمان» و «ترگ» به معنای «کلاه خُوده» و «انگشتال» به معنای «بیمارگون و ضعیف ولاغر» است؛ البته گاه تک تک الفاظ، نامفهوم و نامأنوس نیستند؛ بلکه ترکیب و چینش آنها باعث شده است که مفهوم و معنای شعر دشوار شود؛ مثلاً در بیت زیر از ناصر خسرو، بر اثر جا به جایی ارکان جمله، فهم سخن پیچیده شده است:

پسنده است با زهد عمار و ابوذر  
کند مدح محمود، مر عنصری را؟  
مراد شاعر این است که آیا سزاوار

است عنصری، محمود عصیانگر را با زهدی همپایه عمار یاسر و ابوذر غفاری مدح کند و این ستایش دروغین را بر او ببندد؟

### ۱۳. توضیح و تبیین

گاه لازم است که برخی از اشعار، مانند ابیات زیرین از حافظ را برای

## مواظب باشیم اشعاری را در گفته‌ها و نوشته‌های خود به کار گیریم که دارای الفاظ سبک و معانی سخیف نباشند

یکی از شاعران چیره‌دست پس از خواندن این بیت در نوشته آن شخص، به او تذکر داده بود که مصراع دوم این بیت از نظر وزنی با کمبودی رو به روست و احتمالاً باید به صورت «با قلب پاره پاره و با سینه‌ای کباب» باشد. پس از مراجعه نویسنده به اشعار حضرت امام‌قدس سره، درستی نظر آن شاعر برای وی آشکار شده بود.

### ۱۵. حفظ شعر

اگر بخواهیم که اشعار به صورت صحیح در ذهن و حافظه ما جای گیرند، باید از همان رو به رو شدن اولیه ما با اشعار، آنها را به صورت صحیح بخوانیم تا به صورت صحیح

وزن، قافیه، تناسب و یا انتساب، درست نباشند؛ به‌طور مثال، یکی از نویسندگان در نوشته خود به یکی از ابیات مثنوی مولوی به صورت زیر استشهاد کرده و نوشته خود را برای نظرخواهی به یکی از نویسندگان و شاعران خبره داده بود:

هم سؤال از علم خیزد هم جواب  
همچنان که خار و گل از آب و خاک  
آن شاعر خبره پس از مشاهده این بیت به صورت بالا، متوجه عیب قافیه‌ای آن شده و بیت مذکور را بدین صورت، اصلاح کرده بود تا دو کلمه «جواب» و «آب» با یکدیگر هم‌قافیه شوند:

هم سؤال از علم خیزد هم جواب  
همچنان که خار و گل از خاک و آب  
یا یکی از قلم به داستان، بی‌تی از حضرت امام خمینی ره را در نوشته خود به صورت زیر آورده بود:

ما را رها کنید در این رنج بی حساب  
با قلب پاره پاره و سینه‌ای کباب

## از اشعاری بهره بگیریم که الفاظ به کار رفته در آن، مهجور و برای مخاطبان نامانوس و نامفهوم نباشند

ز ناله‌ام دل کوه آنچنان به درد آمد  
که من خموش شدم او هنوز می‌نالد  
(لا آدری)



اندیشه کنم هر شب تا دل ز تو بر گیرم  
چون روز برآرد سر، مهر تو ز سر گیرم

### ۱۷. سهو قلم

گاه ممکن است در هنگام انتشار اشعار شاعران، سهو قلمی از سوی گردآورنده اشعار و یا غلط تایپی از سوی حروفچین رخ داده باشد که ما متوجه آن نشویم. یکی از راه‌های این مشکل آن است که در صورت امکان، به نسخه‌ها و یا چاپهای دیگر اشعار آن شاعر مراجعه کنیم و پس از اطمینان یافتن از درستی شعر، به خواندن و نوشتن آن برای دیگران بپردازیم. دیگر آن که به سی‌دی‌هایی

نیز وارد ذهن و حافظه ما شوند. در غیر این صورت، چنان چه شعری از همان آغاز به شکل غلط وارد ذهن و حافظه ما شود، زحمت حفظ کردن آن دو برابر می‌گردد؛ زیرا یک بار باید شکل غلط شعر را از ذهن و حافظه خود خارج کنیم و یک بار دیگر نیز شکل درست آن را به ذهن و حافظه خود وارد کنیم.

گفتنی است که برای حفظ صحیح اشعار، کلمه اول و سپس کلمه دوم در آغاز هر بیت، نقش مهم‌تری در حفظ شعر دارند. از اینرو، آنها را بهتر به خاطر بسپاریم.

### ۱۶. لا آدری

هرگاه نویسنده‌ای در پایان یک شعر «علامت سؤال» بگذارد، یا کلمه «لا آدری» را بنویسد، به معنای آن است که نام شاعر آن شعر برای نویسنده نامعلوم بوده است. قابل توجه است که «لا آدری» در زبان عربی به معنای «نمی‌دانم» است. به دو مثال در این زمینه نظر اندازیم:

هیچم از نیست، تمنای توام یاری هست  
 مشنوی دوست که غیر از تو مرا یاری هست  
 یا شب و روز به جز فکر توام کاری هست

### ۱۹. نسخه بدل

برخی از اشعار دارای نسخه بدل هستند و به شکلهای دیگری نیز خوانده می‌شوند. توجه به این نکته، گاه معانی و حتی معرفتهای جدیدتری را برای ما به از مغان می‌آورد؛ مثلاً بیت دوم از دفتر اول مثنوی مولوی به دو شکل «از نفیر» و «در نفیر» خوانده شده است که تفاوت معنایی نیز به وجود آورده است:

کسز نیستان تا مرا پیریده‌اند  
 از / در نفیرم اُ مرد و زن نالیده‌اند

یا بیت زیر از حافظ نیز به دو صورت «تعزیز می‌کنند» و «تفکیر می‌کنند» خوانده شده و تفاوت معنایی به وجود آورده است:

گوش فرادهیم که این اشعار را در  
 آنها خوانده‌اند؛ به طور مثال، بیثی از  
 سروده‌های سعدی به صورت زیر  
 نوشته شده بود:

دیده از دیدار مهرویان گرفتن مشکل است  
 هر که ما را این نصیحت می‌کند بی‌حاصل است  
 پس از مراجعه به غزلیات سعدی،  
 بیت مذکور به صورت زیر دیده شد:

دیده از دیدار خوبان برگرفتن مشکل است  
 هر که ما را این نصیحت می‌کند بی‌حاصل است

### ۱۸. نام غیر تخصصی

گاهی نام شاعری در شعری به کار رفته است؛ ولی از موارد تخصصی شعری او نیست؛ بلکه شاعری دیگر در شعر خویش، او را مخاطب خود قرار داده است؛ به طور نمونه، ملک الشعرای بهار در یکی از سروده‌هایش، سعدی را مخاطب قرار داده و در بخشی از آن چنین گفته است:

سعدیا چون تو کجا نادره گفتاری هست  
 یا چو شیرین سخنت نخل شکر یاری هست  
 یا چو پستان و گلستان تو گلزاری هست

بخوانیم تا وزن شعر با مشکل عروضی رو به رو نشود؛ مثلاً کلمه «صاحب هنر» در بیت زیر از سعدی باید به صورت «صاحب هنر» - نه «صاحب هنر» - نوشته و خوانده شود:

اگر هست مرد از هنر بهره‌ور  
هنر خود بگوید نه صاحب هنر  
یا کلمه «بره‌اندم» در بیت زیر از حافظ باید به صورت «بره‌اندم» - نه «بره‌اندم» - نوشته و خوانده شود:

یا رب سببی ساز که یارم به سلامت  
باز آید و بره‌اندم از بند ملامت  
یک راه حل برای رفع این مشکل آن است که به نوارها و سی‌دی‌هایی گوش دهیم که شاعران و دانشوران و ادیبان خبره و آشنا به علم عروض، آن اشعار را خوانده‌اند.

راه حل دیگر آن است که خودمان آن قدر شعر بخوانیم تا گوشمان با اوزان شعر و بحرهای عروضی آشنا و مانوس شود به طوری که بتوانیم نادرستی وزن شعر را تشخیص دهیم.

دانی که چنگ و هود چه تقریر می‌کنند  
پنهان خورید باده که تمزیر / تکفیر می‌کنند

### ۲۰. چینش درست

اشعار را از نظر چینش کلمات و جملات و مصراعها به صورت درست بنویسیم و بخوانیم؛ مثلاً این بیت کلیم کاشانی از نظر چینش مصراعها به شکل آن چینش معمول در ذهن شماری از مردم نیست، بلکه برعکس آن و بدین گونه است:

موجیم که آسودگی ما هدم ماست  
ما زنده به آنیم که آرام نگیریم  
شایان دقت است برخی به اشتباه بر این باورند که این بیت از اقبال لاهوری است، ولی همان گونه که گفته شد، از کلیم کاشانی است.<sup>۱</sup>

### ۲۱. سالم وزن عروضی

اشعار را از نظر وزن و بحرهای عروضی، درست بنویسیم و درست

۱. کلیات طالب کلیم کاشانی، با تصحیح و مقدمه و تعلیقات مهدی صدری، تهران، نشر همرا، ۱۳۷۶، جلد ۲، چاپ اول، ج ۲، ص ۸۳۳

دارای عیب قافیه‌ای به نام «سیناد» است؛ زیرا دو کلمه «تاخت» و «بیافت» هم قافیه نیستند:

شهریار اندر پی او اسب تاخت  
تا که او را در بیابانی بیافت  
یا بیت ذیل دارای عیب قافیه‌ای  
به نام «اقوا» است؛ زیرا دو کلمه  
«شکفت» و «گرفت» هم قافیه نیستند:  
گل تازه در باغ چندان شکفت  
که بریش همه دشت و صحرا گرفت

### ۲۳. رسم الخط

به یاد داشته باشیم که هنگام خواندن برخی از اشعار، رسم الخط آنها ما را به اشتباه نیندازد به طوری که نوع خواندن ما موجب گردد وزن شعر شکسته شود و آن را با اختلال رو به رو سازد؛ مثلاً بیت زیر از مولوی را بنگریم:

از محقق تا مقلد فرق هاست  
کاین چو داوود است وان دیگر صداست  
در مصراع دوم باید «کاین = که  
این» به شکل «کین» خوانده شود تا  
وزن شعر نشکند. بدین رو، برخی

اگر بخواهیم که اشعار به صورت صحیح در ذهن و حافظه ما جای گیرند، باید از همان رو به رو شدن اولیه ما با اشعار، آنها را به صورت صحیح بخوانیم تا به صورت صحیح نیز وارد ذهن و حافظه ما شوند

راه حل سوم آن است که از مجموعه‌های شعری و دیوانه‌هایی استفاده کنیم که با اعراب‌گذاری چاپ و منتشر شده‌اند.

### ۲۲. معیوب نبودن قافیه

دقت و رزیم از اشعاری بهره بگیریم که دارای عیوب قافیه نباشند. شعر زیبایی که از نظر قافیه معیوب است، مانند تابلو زیبایی است که لکه سیاهی بر آن ریخته شده و همچون نوشته زیبایی است که غلط املائی داشته باشد؛ به طور نمونه، بیت زیر



همچنین دو کلمه «یاری است» و «زاری است» در بیت ذیل از حافظ باید به صورت «یاریست» و «زاریست» خوانده شود تا غزل از

وزن عروضی خود خارج نگردد:  
بنال بلبل اگر با مَنَّتِ سَرِ یاری است  
که ما دو عاشق زاریم و کارِ ما زاری است  
در این بیت نیز شماری، آن دو  
کلمه را به شکل «یاریست» و «زاریست» نوشته‌اند.

#### ۲۲. نشانه‌های نگارشی و

##### ویرایشی

اگر گذاشتن نشانه‌های نگارشی و ویرایشی در اشعار، به فهمیدن و خواندن درست آنها کمک می‌کند، این نشانه‌ها را به کار گیریم. به نمونه زیر از مثنوی مولوی بنگریم:

شکر قدرتِ قدرت افزون کند  
جبر، نعمت از کفّت پیرون کند  
همان گونه که می‌بینیم، اگر پس از کلمه «جبر» از نشانه ویرگول (،) استفاده نکنیم، امکان دارد که مصراع

برای راهنمایی خوانندگان، این مصراع را حتی به صورت «کین چو داوود است وان دیگر صداست» نوشته‌اند.

همچنین کلمه «کاو = که او» در بیت ذیل از حافظ باید به صورت «کو» خوانده شود تا شعر از نظر وزن عروضی درست باشد:

قدر مجموعه گل، مرغ سحر داند و بس  
که نه هر کاو ورقی خواند، معانی دانست  
در این مورد نیز برخی مصراع مذکور را به صورت «که نه هر کو ورقی خواند، معانی دانست» نوشته‌اند.

نیز کلمه «از این» در بیت زیر از سعدی باید به صورت «ازین» خوانده شود تا شعر از نظر وزنی با مشکل رو به رو نگردد:

همه عمر پر ندارم سر از این خمار مستی  
که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی  
در این مثال نیز شماری «از این» را به شکل «ازین» نوشته‌اند.

این نشانه‌ها ذهن خواننده را در هنگام خواندن شعر به خود معطوف و مشغول نکند.

### ۲۵. اعراب‌گذاری

چنانچه گذاشتن اعراب و سکون و حرکات کلمات، باعث می‌شود که خواننده اشعار را درست بخواند و بفهمد، از این کار دریغ نورزیم. مثال زیر از مولوی در خور توجه است:

گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن  
مصلحتی تو ای تو سلطان سخن  
همان گونه که می‌بینیم، اگر کلمه «سخن» را بدون ضمه حرف «خاء» بنویسیم، ممکن است که برخی از خوانندگان، آن را به صورت «سخن» و با فتحه حرف «خاء» بخوانند و البته می‌دانیم که دیگر کلمه «سخن» نمی‌تواند با کلمه «کن» هم قافیه شود.

در بیت ذیل از حافظ نیز اگر کلمه «طرف» به شکل «طَرَف» خوانده شود، هم معنای شعر، نادرست و هم وزن شعر، معیوب خواهد شد:

دوم به صورت «جبرِ نعمت...» خوانده شود.

در بیت زیر از فرخی سیستانی نیز پسندیده است که بعد از کلمه «سخن»، یک نشانه ویرگول بگذاریم تا خواننده آن را به صورت «سخنِ نو» نخواند:

فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر  
سخن، نو آر که نو را حلاوتی است دگر  
همچنین گذاشتن علامت سؤال و ویرگول و دو نقطه در بیت ذیل که شاعرش را نیز نیافتیم؛ موجب آسان خواندن و روان خواندن آن برای شماری از خوانندگان می‌شود:

گفتمش با غم هجران چه کنم؟ گفت: بسوز  
گفتمش چاره این سوز بگو، گفت: بساز  
شایان توجه است شماری از نویسندگان و ویراستاران بر این اعتقادند که در شعر باید به اِمساک و صرفه‌جویی در استفاده از نشانه‌های نگارشی و ویرایشی روی آورد و آنها را فقط در موارد بسیار ضروری به کار برد تا باعث شلوغی شعر نشود و

## اگر گذاشتن نشانه‌های نگارشی و ویرایشی در اشعار، به فهمیدن و خواندن درست آنها کمک می‌کند، این نشانه‌ها را به کار گیریم

نه هر که طرفِ کُله کج نهاد و تند نشست  
 کلامداری و آیین سروری داند  
 گفتنی است رعایت اعراب‌گذاری  
 در اشعاری که دارای واژگان و  
 ترکیبات و جملات عربی و مانند آن  
 است، لازم‌تر می‌نماید. ابیات در پی  
 آمده، به ترتیب از حافظ و مولوی،  
 این لزوم را به خوبی نشان می‌دهند:  
 أَلَا يَا أَيُّهَا السَّامِيُّ أَدِرْ كَأْسًا وَنَاوِلْهَا  
 که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکها  
 □

نَا سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ آيِدْ خَطَاب  
 تشنه باش، آلهة اهلکم بالصواب

### ۲۶. هاء غیر ملفوظ

توجه داشته باشیم در کلماتی که به هاء غیر ملفوظ (ه) پایان می‌پذیرند،

گاه - به پیروی از شیوه قدما - به جای «ای»، مانند «نامه‌ای»، از «ه» استفاده می‌کنند و آن را به شکل «نامه» می‌نویسند؛ مثلاً این بیت از حافظ را به شکل زیر می‌نویسند:

عجب از ولای جانان که عنایتی فرمود  
 نه به نامه پیامی، نه به خامه سلامی  
 در این صورت، باید به شکل «نه به نامه‌ای پیامی، نه به خامه‌ای سلامی» خوانده شود تا شعر دارای معنای درستی باشد.

گاه نیز از شکل «ه» استفاده می‌کنند؛ ولی برای این که شعر از نظر وزنهای عروضی دچار مشکل نگردد، باید به صورت «-ه ی» خوانده شود؛ مثلاً کلمه «جزیره» در بیت ذیل از مولوی باید به صورت «جزیره ی ر جزیری» خوانده شود:

۱. در برخی از نسخه‌ها، «تفقدی فرمود» آورده شده است.

و آورده نمی‌شود، برای نشان دادن این امر، از نشانه حذف و تقطیع که سه نقطه (...) یا چند نقطه (.....) است، به سه شکل زیر استفاده می‌شود و غالباً شکل اول رایج‌تر است:

شکل اول) گذاشتن سه نقطه در پایان بیت قبل از تقطیع:  
(بیت اول)

یوسف گم‌گشته باز آید به کنعان غم‌مخور  
کلبه احزان شود روزی گلستان غم‌مخور  
(بیت دوم)

ای دل غم‌دیده حالت به شود دل بد مکن  
و این سر شوریده باز آید به سامان غم‌مخور.  
(بیت دهم)

حافظا در گنج فقر و خلوت شبهای تار  
تا بُوَد وِردت دعا و درس قرآن غم‌مخور



شکل دوم) گذاشتن سه نقطه در آغاز بیت پس از تقطیع:  
(بیت اول)

یوسف گم‌گشته باز آید به کنعان غم‌مخور  
کلبه احزان شود روزی گلستان غم‌مخور

گر شدی عطشان بحر معنوی  
فُرجه‌ای کن در جزیره مثنوی

### ۲۷. تغییر در شعر

در بعضی از اشعار باید تغییراتی داد تا آن شعر از نظر وزن عروضی درست باشد؛ در مثل، به بیت زیر از مولوی نظر افکنیم:

مشری علم تحقیقی حق است  
دائماً بازار او بارونق است

اگر بخواهیم این بیت از نظر وزن عروضی درست باشد، باید حرف

«یا» در کلمه «مشری» را به صورت

مشدد؛ ولی حرف «قاف» در کلمه

«حق» را به صورت غیر مشدد و در نتیجه، کل شعر را بدین صورت

مشری علم تحقیقی حق است  
دائماً بازار او بارونق است

### ۲۸. حذف ابیات

هنگامی که از میان یک سروده، یک یا چند بیت از آن حذف می‌گردد

(بیت دوم)

ای دلِ غم‌دیده حالت به شود دلِ بد مکن  
و این سرِ شوریده باز آید به سامان غم مخور

(بیت دهم)

حافظا در کُنج فقر و خلوت شبهای تار  
تا بُودِ وردت دها و درس قرآن غم مخور  
شکل سوم) گذشتن چند نقطه در

یک سطر به جای یک یا چند بیت  
حذف شده:

یوسف گم‌گشته باز آید به کنعان غم مخور  
کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور  
ای دلِ غم‌دیده حالت به شود دلِ بد مکن  
و این سرِ شوریده باز آید به سامان غم مخور  
(بیت دهم)

حافظا در کُنج فقر و خلوت شبهای تار  
تا بُودِ وردت دها و درس قرآن غم مخور

### ۲۹. شکل چینش

چینش اشعار سستی (کلاسیک) در  
نوشته‌های چاپی به سه شکل زیر  
است که خوب است با آنها آشنا  
باشیم:

یک: چینش موازی یا افقی (رو به

رو بودن مصراعها)

ای غایب از نظر به خدا می‌سپارم  
جانم بسوختی و به دل دوست دارم  
دو: چینش ستونی یا عمودی (زیر  
هم بودن مصراعها)

ای غایب از نظر به خدا می‌سپارم  
جانم بسوختی و به دل دوست دارم  
سه: چینش پله‌ای

ای غایب از نظر به خدا می‌سپارم  
جانم بسوختی و به دل دوست دارم

شایان ذکر است که اشعار غیر  
کلاسیک (شعر نو) باید به همان  
گونه‌ای چیده و نوشته شوند که خود  
شاعر، آنها را چیده و نوشته است،  
مگر اینکه احياناً خود شاعر در چینش  
شعرش اشتباه کرده باشد و ما نیز  
قدرت تشخیص اشتباه او را داشته  
باشیم. توجه نکردن به نکته اخیر  
باعث می‌گردد که شعر از نظر وزن،  
اشتباه خوانده و نوشته شود. به چینش  
نوسروده‌ای از سهراب سپهری  
بنگریم:

۱. در برخی از نسخه‌ها چنین دارد: «جانم

بسوختی و ز جان دوست دارم».

سیستانی را با فرخی یزدی، میرزا حبیب اصفهانی را با میرزا حبیب خراسانی اشتباه نگیریم.

نیز توجه کنیم که اعلام ادبی و شعری را درست تلفظ نماییم و مثلاً کسای مَرُوَزی را کسای مَرُوَزی حُسام‌الدین چَلَبی، برانگیزاننده مولوی در سرودن مثنوی، را حِسام‌الدین چلبسی و نیکلسون (Nicholson)، تصحیح کننده مثنوی مولوی، را نیکلسون و تَوَلّی (فریدون) را تَوَلّی نخوانیم و یا مثلاً بدانیم که کتاب شعر دیوان کلیات شمس از شمس تبریزی نیست و از مولوی است.

به پایان رسیدیم، اما نکردیم آغاز فورویخت پرها، نکردیم پرواز بیخشای ای روشن عشق بر ما، بیخشای بیخشای اگر صبح را به مهمانی کوچه دعوت نکردیم بیخشای اگر روی پیراهن ما نشان عبور سحر نیست

بیخشای ما را اگر از حضور فلق روی فرقِ صنوبر خبر نیست...<sup>۱</sup>

۱. محمدرضا شفیعی کدکنی.

من مسلمانم  
قبله‌ام یک گل سرخ  
جانمازم چشمه، شهرم نور  
دشت، سجاده من  
من وضو با تپش پنجره‌ها می‌گیرم  
در نمازم جریان دارد ماه، جریان دارد طیف  
سنگ از پشت نمازم پیداست...

### ۳۰. افزایش دانش ادبی

بسیار شایسته است که روز به روز بر دانش ادبی و معلومات شعری خویش بیفزاییم؛ فی‌المثل، با سبکها و دوره‌های مختلف شعری و ویژگیهای هر یک و شاعران آن آشنا شویم. در باره قالبهای گوناگون شعر و مثلاً تفاوت رباعی و دوبیتی، و غزل و قطعه، و مثنوی و قصیده، و ترجیع‌بند و ترکیب‌بند آگاهی داشته باشیم. نسخه‌های معتبر دیوانها و مجموعه‌های شعری شاعران را از نسخه‌های غیر معتبر آنها تشخیص دهیم و بدانیم که تصحیح کدام یک از شعرشناسان و شعرپژوهان در این زمینه با ارزش‌تر و معتبرتر است؛ حتی مواظب باشیم که فرخی